



ایرج فرزاد

صفحه ۲

میعادگاه یاران "استراتژیک"

مضحکه انتخابات رژیم و ناسیونالیستها و قوم پرستان کرد

ششم همین رژیم "ولایت فقیه"، از شادی در پوست خود نمی‌کنجیدند و حتی آن پیروزی "ملی" مردم سالاری اسلامی را در کنگره شان جشن گرفتند. کنگره ششم تقریباً همزمان اکثریت، با خبر انتشار لیست نمایندگان مجلس "اصلاحات"

در این شرایط ضعف و تعمیق شکاف و جدال جناحها، طیف اپوزیسیون همیشه طرفدار رژیم اسلامی را نیز شیر کرده بود و از بیابیه های اینها حکم "تحریم" انتخابات "فرمایشی" صادر شد! و کسی فراموش نکرده است که همینها درست در مقطع انتخابات مجلس

مضحکه انتخابات مجلس هفتم رژیم، در فضائی از خشم و نفرت مردم کردستان، به یک افتضاح کامل سیاسی تبدیل شد. این واقعتی بود که رژیم اسلامی شامل همه جناحهای قهر کرده و مغضوب شده آن کاملاً انتظارش را میکشیدند. این دلیل و سبب



اساس سوسیالیسم

انسان است.

سوسیالیسم جنبش

بازگرداندن اختیار

به انسان است.

منصور حکمت

۸ مارس، روز تداوم تعرض علیه جمهوری اسلامی!

عبدالله شریفی صفحه ۳

((انتخابات)) و اعتراضات مردم

تجارب و موانع مبارزات مردم در کردستان

داد و وسیعترین روحیه همسرنوشتی و همبستگی اجتماعی را میان اقشار مختلف مردم دامن زد. بطور قطع بعد از این رویدادها فاز دیگری از جنبش توده ای برای سرنگونی جمهوری اسلامی در سرتاسر ایران آغاز شده است که مختصات خود را دارد. فازی که خیز مردم برای درهم شکستن انتخابات شروع مقدمات اولیه آن بود و باید در انتظار حرکات عظیم و کوبنده توده های مردم علیه رژیم باشیم. حذف کاندیدهای او خردادی توسط جناح راست رژیم و تحصن در مجلس توسط دوخردادها در اعتراض به آن، دو حرکت وحشت زده و چاره اندیشانه جناحهای رژیم در مقابل این وضعیت و اوجگیری جنبش انقلابی مردم بود که برای بزیر کشیدن کل رژیم خیز برداشته است.



مجید حسینی

انتخابات در چنان شرایطی انجام شد و در بطن آن، رژیم و مردم در مقابل هم صف آرای کردند. حزب کمونیست کارگری ایران این اوضاع را بدرستی تشخیص داد و به همراه مردم برای به شکست کشاندن نمایش مسخره انتخابات دست بکار شد. مردم بسیاری از شهرها در ایران و کردستان بساط انتخاباتی را مورد تعرض قرار دادند و درهم شکستند، آفیشهای تبلیغاتی را پاره کردند، جلو تبلیغات کاندیدها و مداحان رژیم را گرفتند، فرارشان

حرکت اعتراضی ۲۴ بهمن مردم در سنج و میوان، دور جیلویی از حرکات توده ای و سرتاسری را برای برچیدن مضحکه انتخاباتی در شهرهای کردستان استارت زد. این مبارزات بخشی از یک حرکت عمومی و سرتاسری در سطح ایران بود و در ادامه و گسترش اعتراضات چند ماهه اخیر کارگران، معلمان، دانشجویان و توده های مردم معنی میدهد. در بطن و گرما گرم این اعتراضات زلزله بم روی داد. ابعاد و جوانب مختلف اثر این فاجعه بر جامعه و بی توجهی مسئولین دولتی در اقدام برای نجات جان مردمی که زیر آوار بودند و کار شکنی آنها در امداد رسانی و چپاول کمکها و کشتار کارگران مس خاتون آباد، از نظر روحی و روانی عمیقاً جامعه ایران را تکان

صفحه ۳

ایسکرا ویژه روز جمعه این هفته منتشر میشود!

این شماره ویژه ایسکرا به مباحث مهم ارزیابی از جنگ کومه له و حزب دمکرات، موضع منصور حکمت و گرایش کمونیسم کارگری در این رابطه، زمینه های آتش بس یک جانبه به حزب دمکرات و اسناد مهم دیگر در رابطه با این مسائل مهم اختصاص دارد. مطالعه این شماره ویژه ایسکرا را به خوانندگان توصیه میکنیم.

ایسکرا

انتخابات رژیم و انقلاب مردم!

مظفر محمدی

صفحه ۴



چند اطلاعاتیه و گزارش خبری

صفحات ۵ و ۶

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

رادیو انترناسیونال

۴۱ متر-۷۴۹۰ کیلوهرتز

هر شب ساعت ۹ به وقت تهران

به دیگران اطلاع دهید

radio7520@yahoo.com

رادیو انترناسیونال روی اینترنت: www.radio-international.org

مدیر رادیو انترناسیونال: سیاوش دانشور

« میعادگاه یاران... »

عملا امتداد شوق و ذوق صدارت امثال موسوی تبریزی شد. جناب موسوی تبریزی و حجت الاسلام محتمسی پور که اولی در کشتارهای خرداد ۶۰ دادستان انقلاب بودند و نیازی برای هیچ شهودی برای اعدامهای کنار خیابان و آویزان کردن به تیر چراغ برق نمیدیدند و دومی از همان دوران "هجرت" امام در نجف از وفاداران به میراث و درسهای جنایت اسلامی بوده است، همراه با چهره هائی چون خلخالی که صحنه های جنایاتش در کردستان و ترکمن صحرا از معدود اسناد ماندگار و معرف هویت مخوف و سایه ترور و وحشت لومنیسم اسلام سیاسی در ایران اند، آری همه این شیفتگان راه "مسالمت آمیز" گریزان از "راه کارهای خشونت آمیز" در کمپ اصلاح گرایان قرار گرفتند و امثال اکثریت و حزب توده و خرده بقایای ملی مذهبیون برایشان دم گرفتند و پای کوبیدند. اما، معلوم بود که سرنوشت دو خرداد و کمپ سید خندان در رژیم که جامعه ایران را فقط با کشتار و نسل کشی نگاه داشته است و برای بحران و فلاکت اقتصادی نمیتواند و نتوانسته است کوچکترین راه برون رفتی نشان دهد، به جایی نمی رسد و تلاش برای گسترش پایه های جمهوری اسلامی به میان طیف داخل و خارج کشوری و از نظر سیاسی عقیم ملی مذهبی به ثمر نمی نشیند. حزب کمونیست کارگری از همان دوران عروج "مردمسالاری اسلامی"، این سرنوشت و این عاقبت را پیش بینی کرد. آنوقتها، جناب عبدالکریم سروش، نیازی نمی دید که مثل امروز بعنوان "استاد دانشگاه بریستون" با فال حافظ سعی کند شرکت شخصی خود در جنایات انقلاب فرهنگی اسلامی را که شانه بشانه موسوی تبریزی پیش میبرد چنین از اذهان پاک کند:

"من و هم صحبتی اهل ریا؟ دورم باد!"
 "شهید زنده" اصلاحات، برادر سعید حجازیان که او هم دست بر قضا معاونت وزارت اطلاعات را در همان دوران خون و ترور برعهده داشتند و خود نیز شخصا در ماشینهای بدون شماره "محاربین" را در خیابانها شناسائی و دستگیر و تحویل فلاحیان و لاجوردی میداد، نیز این روزها مرقوم فرمودند: «غیرمستقیم سازی انتخابات!!» بطور مستقیم به «عوجاج!!» کل نظام منجر خواهد شد...»

خرافی تر پلانفرم ایجاد "جبهه کردستانی" خود برسند. و نمیدانند، از سر تحقیر شعور و تعقل مردم، و با توهم ارتجاعی به اینکه مردم تاریخ اینها، جنگ و نفرت پراکنی شان علیه کمونیستها و پیشقراولی لشکر اسلام و بند و بستهای همیشگی و پنهانی "مذاکره" کذائی با هر مامور درجه چندم ادارات مناطق مرزی کردستان در حافظه زنده مردم پاک شده است، که این اوها پوچ عشایری و اشرافی شدنی نیست. خیال میکنند، و فقط خیال میکنند که میتوان تاریخ را با فرض حذف مردم و آگاهی و تجارب آنها و نقش ۲۵ سال تلاش اجتماعی کمونیستها و سنت کمونیسم کارگری، دور زد و مجددا برای چندمین بار یک تاریخ جعلی، و ساخته ذهنیت ناسیونالیسم کرد را در اذهان مردم بیدار و بیخاسته و متممن جامعه شهری کردستان تزریق کرد. خیال میکنند و فقط خیال میکنند که مردم نمی فهمند، که آنان عوام اند، چوپان اند و در کوهساران با سادگی کردی خود فقط منتظرند که اینها جنم تحت حاکمیت احزاب ناسیونال عشیره ای در کردستان عراق را، بعنوان مهد آزادی و بهشت کردایه تی بخوردشان بدهند. دلیل شیر نما شدن اینها و جریانات ناسیونالیست کرد که تا همین دیروز با هر چراغ سبز دادن دون پایه ترین مامور رژیم اسلامی آب از لب و لوجه شان سرازیر می شد و برای رفتن پشت میز مذاکره کفش و کلاه میکردند، دقیقا در بحران فروپاشی و سرازیری رژیم اسلامی نهفته است، اگر نه خودشان میدانند، رهبران همیشه کم جنبه و کم توقعشان میدانند و مهمتر از همه توده های مردم کردستان ایران میدانند، که اینها اهل سرنگون ساختن رژیم اسلامی و حتی جزیره اعلام تحریم نمایشات انتخاباتی آنرا نداشته اند، اینها اینکاره نبوده اند و نیستند. با اینحال در دورانهای فروپاشی رژیمهای فاشیست و سرکوبگر، احزاب ناسیونالیست کرد، پرونده های سازشها و بند و بستها و توطئه ها با حکومتهای مرکزی را که همواره بالای سر مردم و پنهان از آنها پیش برده اند، بسرعت بایگانی میکنند و به زیر زیلو و جاجم جارو میکنند. اینرا در تجربه سقوط صدام نیز بعینه شاهد بودیم، جریانات ناسیونالیست کرد "کردستان شرقی!" که تا آخرین لحظات مناسبات با رژیم بعث را به حساب سیاست دیپلوماسی میگذاشتند و هر افشاگری کمونیسم کارگری را "ایجاد خطر امنیتی" برای سازمانها و

احزاب "کردی" مستقر در عراق جار میزدند، با سقوط صدام و سرنوشت مفلوک شخص صدام، ملام بخود مدال مبارز ضد بعث و عزادار شهدای هلیجه و انفال دادند. عین این پروسه را فکر میکنند میتوانند برای کردستان ایران و در برابر رژیم اسلامی تکرار کنند. فکر میکنند مردم مغالزه اینها با مجلس اصلاحات و عوامل اطلاعات و گسیل پادوهای "مذاکره" و فراخوان به مردم برای شرکت در مجلس ششم اسلامی و انتخابات شوراها و اسلامی شهر و روستاها را به این زودی فراموش کرده اند و اکنون منتظرند تا ناچیان ملت کرد در همراهی با قهرمانان بی یال و دم مهره های مغضوب رژیم در مجلس اسلامی، برایشان زمینه انتلاف و اتحاد و جبهه و "به رده" نیشتمانی ایجاد کنند و مردم هم بسادگی سیاهی لشکر و جاده صاف کن پرت شدن اینها به قدرت محلی و جلوس بر صندلی و کرسی فدرالیسم قومی بشوند. "خیال" میکنند میتوانند بدیل کاک مسعود و مام جلال را برای مردم کردستان ایران نیز بسازند و بر این مردم آبدیده و مجرب و دارای یک حزب با نفوذ کمونیست کارگری تحمیل کنند. اینها فقط خیال میکنند، و بخش اعظم خرافه ناسیونالیسم کرد صرفا اوها و خیالات پوچ است، چون مردم کردستان ایران را دست کم گرفته اند، چون نیروی قدرتمند کمونیسم کارگری را هنوز نشناخته اند. اینها پیشگامان اتحاد و همبستگی مبارزاتی کارگران و مردم سراسر ایران و پیشقراولان ناکام کردن مضحکه انتخاباتی را از شهر سنجند می بینند و به روی خود نمی آورند. اینها قدرت نیروی عظیم و پر شور و شوق مردم و جوانانی که مضحکه انتخابات را بر سر رژیم اسلامی خراب کردند اگر هم ببینند توهم دارند که گویا مردم دارند پیشاپیش فرش قرمز زیر پای سردمداران فدرالیسم ارتجاعی و ماموران خود گمارده اجرای سناریو عراقیزه کردن کردستان ایران پهن میکنند. متوجه نیستند، همین مردم و حزب کمونیست کارگری پروژه ارتجاعی فدرالیسم را همانند پروژه "فرهنگی و آشتی از راه فرهنگ" ناکام و رسوا میکنند. آنان را با این خیالات ساده لوحانه شان به استاد عبدالکریم سروش میسپاریم، باشد تا شاید فال دیگر قهرمان مغضوب انقلاب فرهنگی رژیم اسلامی چند صباحی اینها را هم به سیر در عوالم حسابگرهای عرفان کردایه تی رهنمون شود.

اما سیاست و مبارزه اجتماعی را با عرفان و تصوف و خرافات کاری نیست. مردم در کردستان ایران مدنیتهاست، سیادت و سرکردگی ناسیونالیسم کرد را بر مقدرات خود پرت کرده اند. کمونیسم کارگری اجازه نمیدهد بر ویرانه جمهوری اسلامی سناریوی یکه تازی و قداره بندی جریانات قومی و ناسیونالیست کرد، پهن شود.

۲۲ فوریه ۲۰۰۴

کمکهای مالی به کمیته کردستان حزب

جمع آوری شده توسط خالدحاج محمدی و نسرين رمضانعلی

محمدیگانه	۵۰ یورو
هادی	۲۰ یورو
حاجی	۱۰ یورو
رضاکمانگر	۵ یورو
ناهدریاضی	۳۰ یورو
سهیلا خسروی	۵ یورو
گلاویژ سرداری	۵ یورو
سهیلاشرفی	۵۰ یورو
سعیدقادریان	۵ یورو
بهرام سروش	۵ یورو
شمسه صلواتی	۱۰ یورو
لادن داور	۲۰ یورو
فرزاد هلند	۱۰ یورو
بهمن خانی	۲۰ یورو
سعیدیکانه	۲۰ یورو
نازی برومند	۲۰ یورو
محمد مرادیگی	۲۰ یورو
اسماعیل ویسی	۲۰ یورو
امانکفا	۲۰ یورو
علی محسنی	۲۰ یورو
ثریا خضری	۲۰ یورو
غفار غلام ویسی	۱۰۰ کرون
ابوبکر شریفزاده	۱۰۰ کرون
سیامک بهاری	۱۰۰ کرون
جمال پیرخضری	۱۰۰ کرون
اسماعیل مردوخ	۱۰۰ کرون
حسیبه چوپانی	۳۶۰ کرون
غلام اکبری	۱۳۰ کرون
عباس محمدی	۱۰۰۰ دلار کانادا

۸ مارس، روز تداوم تعرض علیه جمهوری اسلامی!



عبدالله شریفی

امسال در حالی به استقبال ۸ مارس روز جهانی زن میرویم که جامعه ایران قدرتمندتر از هر زمان، سراسری تر از هر دوره، در مقابل حکومت جنایتکار اسلامی دست به تعرض زده است. مضحکه انتخابات مجلس به رویارویی گسترده مردم در شهر و روستا بدل شد. مردم بساط مسخره "انتخابات" را بر سرشان خراب کردند. از اصفهان تا سنندج، از تبریز تا

تهران، از ایند تا مریوان، از سمیرم تا شیراز، این روزها، میدان "نه" گفتن به کل نظام اسلامی بود. حوزه تعرض از کارخانه و دانشگاه، از خیابانهای تهران به شهرهای کوچک و بزرگ و حتی به روستا ها گسترش یافت. این دوره، دوره ای ویژه در مبارزات مردم برای به زیر کشیدن رژیم اسلامی بود. همه بیاد دارند که در انقلاب ۵۷ حتی مدتی بعد از اینکه شاه فراری شده بود، هنوز بخش حاشیه و کمتر شهری، به این جدیت به صحنه جدال تبدیل نشده بود. اما اکنون می بینیم که چگونه، جامعه ایران یک

پارچه و متحد، تصمیم مقابله برای بر چیدن بساط آدمکشان اسلامی را در هر مقطعی در ابعاد وسیعتر و وسیعتر به معرض نمایش میگذارد. آری، ما در چنین شرایطی، به استقبال ۸ مارس می رویم. تا ۸ مارس بیش از دو هفته وقت باقی نمانده است. اما روحیه مردم معترض بالا است. اعتماد به نفس قوی تر شده است. جامعه هنوز در جوشش اعتراضات اخیر بسر میبرد. فضای اعتراضی سراسر جامعه ایران را فرا گرفته است. هر چند رژیم اسلامی، روز "انتخابات" را با مصیبت سپری کرد، اما در بسیاری از شهرها

هنوز، اخبار کنترل خیابانها و محلات در صدر روزنامه ها قرار دارد. تجمعات شبانه جوانان در محلات شهرها، رژیم اسلامی را کلافه کرده است. در مجموع جبهه مردم در این دوره از مصاف با رژیم جنایتکاران اسلامی، چند قدم جلو رفته است، ولی بر عکس رژیم و اوباشان و چاقوکشان اسلامی، در قامت اقلیت بسیار کوچک لمپن اسلامیهایی معمم و مکلا، در بدترین شرایط هستند. تازه این اقلیت ناچیز هم از سر و کول هم بالا میروند. دعوایشان را



((انتخابات)) و ...

(ادامه از صفحه ۱)

دادند و مسخرشان کردند و به جای آن حزب کمونیست کارگری و شخصیتهای آنرا جلو جامعه گذاشتند. این پیام شور انگیزی بود که در این وسعت بیسابقه بود و دو وجه سیاسی و اجتماعی خود را یعنی روند قدرت گیری انقلاب مردم و عزم و مصممی حزب کمونیست کارگری ایران برای تصرف قدرت سیاسی در ایران و ایجاد جامعه ای آزاد و مرفه را به همگان نشان داد.

در برابر این وضعیت خیل اپوزسیون راست پرو سلطنتی، ملی اسلامیهها، بخشهایی از دو خرداد، جبهه ملی ها اکثریت، حزب توده، راه کارگر، حزب دمکرات و جریان قوم پرست سازمان زحمتکشان مهتدی، موضع تحریم انتخابات را گرفتند. این جریانات در صف تعرض مردم به مضحکه انتخابات و رژیم نبودند، در صف تحریم آن بودند. از تحریم انتخابات تا درهم شکستن این نمایش توهین آمیز انتخاباتی رژیم، فاصله و تفاوت عمیقی هست. سیاست تحریم نه تنها به خاطر فرض گرفتن قانونیت رژیم و نهادهای آن و از جمله مجلس جنایتکاران اسلامی، بلکه در این شرایط بدلیل عقب بودن از سطح مبارزات و خواست مردم و اثر منفی آن در جلوگیری از رادیکالیسم انقلابی و تعرض مردم به کلیت رژیم، یک سیاست ارتجاعی و توهم بر انگیز و قابل افشا است. رشد انقلاب مردم دارد موضعگیری این جریانات را حول رویدادهای سیاسی در ایران به هم نزدیکتر می کند. این پروسه ای است ادامه دار که در هر مرحله ای از تقابل مردم با رژیم در قالیهای متفاوتی باز هم تکرار می گردد. شناخت این موقعیت ها و خشی کردن آن در هر شرایطی یک

شرط پیشروی جنبش انقلابی مردم است و این را حزب کمونیست کارگری ایران تضمین می کند. غرب و رسانه های نان به نرخ روز خورشان تلاش دارند عدم شرکت مردم و خلوت بودن مراکز صندوق رای را به نتیجه تحریم از طرف اصلاح طلبان ربط دهند، اما با وجود عدم شرکت مردم نفس حقانیت رژیم و انتخابات آن در نزدشان پا بر جا است و آنرا زیر سوال نمی برند. هر چند تحریم انتخابات توسط بخشهایی از دوزخدار در میزان شرکت مردم در بقیه ایران تاثیر دارد، ولی در این شرایط نه تعیین کننده است و نه تاثیر چندانی بر پیشروی جنبش انقلابی مردم بر جا می گذارد و با این وجود این مسئله در کردستان به گونه دیگری است که ذیلا به آن میپردازیم:

و اما در کردستان

هیچگاه مردم در کردستان توهمی به جمهوری اسلامی نداشته اند، مقاومت و اعتراض در برابر رژیم یک رکن اصلی و پایدار مبارزات آنها در طی این ۲۵ سال بوده است. اما نزد جریانات ناسیونالیست کرد و بطور مشخص حزب دمکرات کردستان ایران، سازش و بند و بست با رژیم رکن اصلی و محور همیشه پایدار سیاست آن بوده است. دودین رهبران این حزب به خدمت خمینی در نجف، در پاریس، در تهران، دادن پیام به «امام» خمینی و لیبیک گفتن به آن، اسکورت نیروهای جمهوری اسلامی توسط پیشمرگان این حزب در کردستان و بر باد دادن سر رهبران خود در معامله پنهانی با جمهوری اسلامی، بخش کوچکی از تلاش و خدمتگذارهای حزب دمکرات کردستان ایران برای سازش با رژیم اسلامی قبل از پیدایش جریان دو خرداد است. با پیدایش دو خرداد سر فصل دیگری

به کارنامه بند و بست جریانات ناسیونالیست کرد با جمهوری اسلامی اضافه گردید و حتی کومه له فعلی معتقد به اصلاح بودن این بخش از جمهوری اسلامی است. حزب دمکرات با براه انداختن هراز چند گاهی شایعه مذاکرات با رژیم، دادن تعهد به رحیم صفوی برای توقف مبارزه مسلحانه، سیاست دفاع از انتخابات شورای شهر و روستاها و انتخابات مجلس ششم جمهوری اسلامی، تبلیغات هماهنگ و همصدایی را با آخوندها و سران جنایت کار رژیم در کردستان به انجام رساند. ولی تلاش ایندوره ناسیونالیستها به اینجا ختم نشد و با دسیسه و نقشه جلال طالبانی و در امید بستن به دیالوگ با جناح دو خرداد، جریان قوم پرست سازمان زحمتکشان مهتدی را با کودتا علیه کومه له، سرهم بندی کردند و از اینطریق فصل دیگری از جعل تاریخ و رواج فرهنگ فاشیستی در کردستان باز شد. امر حزب دمکرات ارتقاء مبارزات مردم نیست، سد کردن و به انحراف بردن آن است، سوء استفاده کردن از مبارزه مردم برای رفع ستم ملی و تحریم احساسات ملی و قومی است. کنار آمدن با رژیم و رسیدن به سهمی از قدرت برای مقابله با مردم و کمونیستها در کردستان آرزوی دیرینه این حزب است. یک حاصل این پروسه، تلاش برای مثبت قلمداد کردن فراکسیون نمایندگان کرد در مجلس و قهرمان سازی از کسانی چون بها ادب، جلال جلالی زاده و عبدالله سهرابی و بقیه این آقایان رانده شده از پست و مقام است. اینها خدمتگذار و شریک جرم جنایت رژیم علیه همه ما مردم در کردستان بوده اند و باید روزی در دادگاه مردمی پاسخگو باشند. نباید اجازه داد حزب دمکرات و سازمان قوم پرست زحمتکشان این آقایان را

رنگ آمیزی کنند و بعنوان الگوی مبارزاتی بر مردم قالب کنند. این توهین به مردم در کردستان و بخشی از یک توطئه بزرگ علیه همه ماست. نباید به آقای بها ادب و دیگران اجازه داد با سبک ناسیونالیستها و با همان فرهنگ آموخته از رژیم پرچم مذهبی، سنی بودن خود و پرچم ملی و نژاد پرستانه، کرد بودن خود را جلو بکشند و بر مبارزات انقلابی مردم در کردستان سم بریزند. مگر قرار است آن بلایی که مذهب بر سر مردم در ایران آورد، اینبار کردایتی و احساسات ملی و قومی در کردستان بر سر مردم بیآورد؟ نه مردم در کردستان و نه حزب کمونیست کارگری ایران اجازه میداننداری به این گونه توطئه ها را نمی دهند. جمع کردن بساط انتخابات و تعرض مردم به رژیم در اکثر شهر های کردستان این را ثابت کرد. مردم میخواهند جمهوری اسلامی را از سر راه خود بر دارند و در تعرض به انتخابات کل رژیم را نشانه گرفته بودند. در این میان رهبران حزب دمکرات و سازمانهای سیاسی هم خط آن در این مملکت، سیاست «شجاعانه» تحریم را به همراهی موسوی تبریزی جلال، دادستان قتل عامهای سال ۶۰ و محتشمی پور و محمد رضاخاتمی در پیش گرفتند. مردم فراتر از تحریم این جریانات به جلو رفتند و این از موارد مهمی است که در این دوره و در ابعاد توده ای و این چنین وسیع در شهر های مریوان، سنندج، بوکان، دیواندره و سقز و ... به همراهی حزب کمونیست کارگری ایران، سیاست و برنامه ناسیونالیستها را در کردستان خشی کردند و به عقب رانند. این یکی از دستاوردها و مختصات مبارزات این دوره بود است باید آنرا دید تا بهتر به جلو

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

انتخابات رژیم و انقلاب مردم!

مظفر محمدی

انتخابات فرمایشی رژیم به سرانجام رسید. هدف و نتیجه این نمایش از پیش روشن بود. رژیم میبایست با اپوزیسیون درون خود تحت عنوان دوم خرداد یا اصلاح طلبان تسویه حساب کند و آنها را از مجلس اسلامیش بیرون بیاورد. این کار تقریباً انجام شده است. این پروسه تا آنجا که به مقاومت جناح دوم خرداد برمیگردد برای رژیم چندان مشکل نبود. چرا که عکس العمل این جناح اگر اسم آن را مقاومت هم بگذاریم چنان سازشکارانه و زبونانه بود که طرف مقابل برای آن تره خرد نکرد. تحصن نمایندگان مجلس اسلامی اوج این با اصطلاح مقاومت در

در نتیجه و در دل این نمایش قدرت جدید، تاریخ مصرف دو خرداد به پایان رسید و بخشا هم تجزیه گردید. تشکلهای و عناصر معتدل تر آن به انتخابات پیوستند و تعدادیشان هم به مجلس اسلامی راه یافتند و بقیه بعنوان بخش ناراضیت به حاشیه حاکمیت پرتاب گردیدند. اما از طرفی دیگر و در جبهه اصلی نبرد علیه جمهوری اسلامی، عکس العمل مردم به انتخابات برای رژیم چندان به آسانی نگذشت. رژیم اسلامی کابوس بزرگی را از سر گذراند. جناح رقیب را به کامشان تلخ کند. تحولات این دوره را میتوان گفت که دو مرحله داشت. یکی کشمکشهای شورای نگهبان و نمایندگان ۲ خردادی مجلس اسلامی و بیرون آن، بر سر رد صلاحیتها است که با بی تفاوتی

کامل مردم روبرو شد. مردم به درستی نشان دادند که این جنگ و دعواها که بر سر تقسیم قدرت و حفظ نظام است، هیچ ربطی به زندگی و آزادی و سعادت مردم ندارد و مجلس هفتم با، یا بدون دوخرداد مانند مجلسهای قبلی هیچ گلی به سینه مردم نمیزند، هیچ نانی به سفره مردم اضافه نمیکند و هیچ آزادی و حرمت انسانی و یا مدنیت را به جامعه ارزانی نمیدارد. بی تفاوتی مردم به سرنوشت دو خرداد و نمایندگانش در مجلس پاسخ دندان شکنی بود به همه ادعاها و زوزه های این خیل به اصطلاح طرفدار اسلام معتدل. دور دوم توپ به زمین مردم افتاد. مردم میبایست تصمیم بگیرند که با این مضحکه انتخاباتی چگونه رفتار کنند. در این مرحله دو سیاست پیشروی مردم قرار گرفت. یکی از جانب احزاب و جریانات شکست خورده

دو خرداد و همدستان قدیم و جدیدشان و بطور کلی کل اپوزیسیون راست در داخل و خارج از کشور بود. اینها مردم را به تحریم انتخابات، رأی ندادن و نشستن در خانه تشویق کردند و به این ترتیب یک سیاست انفعالی را پیش پای جامعه قرار دادند. این سیاست کمک میکرد تا فرمایشی‌اش را در محیطی آرام و بی سروصدا بسرانجام برساند و نمایندگان از پیش تعیین شده خود را با حداقل آراء و آراء تقلبی از صندوقها بیرون بیاورد. از طرف دیگر سیاست رادیکال و فعال حزب کمونیست کارگری ایران بود که به نمایندگی کل جناح چپ جامعه، اعتراض و مبارزه را جلو روی جامعه قرار داد و از مردم خواست که مضحکه انتخابات را بر سر رژیم خراب



۸ مارس...

(ادامه از صفحه ۳)

پیشروی سیاسی و ایفای نقش تاریخی خود را یافته است. قطعاً خصومت حاکمان اسلامی با حقوق زن، تا آخرین ساعات عمر تنگنیشان پایان نخواهد پذیرفت.

۸ مارس امسال میتواند، یکی از آن روزها، و یکی از آن مقطعها باشد که مبارزه سیاسی جنبش برای برابری کامل زن و مرد را برای ساختن جامعه ای انسانی و پر سعادت، در مصاف با خشونت و تحقیر و مرگ سازمانیافته، در جلد با قوانین مشحون از کثیف ترین ضد انسانی ترین افکار و اعمال اسلامی، جلودار مبارزات انقلابی مردم ایران کند. مبارزه انقلابی برای رهایی از بی حقوقی، رهایی از نکبت اسلام سیاسی و بی حرمتی، خلاصی از بردگی جنسی با همین مقاطع در تاریخ خود نیرومند و تعیین کننده میشود. جامعه ایران در تلاطم تحولات اساسی می جوشد، انقلابی در راه است، روشنائی طلوع رنسانسی از افق پیدا است. جنبش رادیکال زنان در این تحولات یکی از ستونهاست. یکی از ارکانهای دگرگونی و انقلاب آتی زنان میباشد. جنبش رهایی از ستم و نابرابری دیگر قابل کنترل نیست، ما باید این بار تاریخ خود را با دستان خود بسازیم.

در اینجا سوال این است که چه باید کرد؟ بدهی است که از هم اکنون باید در تدارک بر گزاری وسیع و علنی مراسمهای ۸ مارس بود. باید در محلات، در خیابان، در پارکها، در امکان عمومی با پخش وسیع و چسپانندگی پلاکاردها و پوسترها جامعه

را متوجه کرد که داریم بسوی این روز مهم میرویم. با دوستان و همکاران خود اعم از زن و مرد باید تماس گرفت و به شرکت در یکی از این مراسمهای رادیکال شرکت کرد. شعارهای لغو آپارتاید جنسی، لغو حجاب اجباری، لغو قوانین ضد زن، لغو تبعیض جنسی، زنده باد آزادی و برابری، زنده باد ۸ مارس و... در هر سالن و پارکی در هر تجمعی بر افراشته شود. بعد از جلسات متنوع و پراکنده، میشود قرار تجمع در میدانی، در پارکی، در خیابانی را داشته باشیم و روز مارش جهانی و همستگی جهانی زن را به نیرویی علیه رژیم ضد زن و ضد آزادی تبدیل کنیم. میشود ابتکارات و خلاقتهای زیادی را بکار گرفت. در شرایط استیصال رژیم اسلامی میشود باید این نوع کارها را در دستور داشت. به رسانه ها و رادیو تلویزیون حزب کمونیست کارگری مراجعه کرد به رهنمود و روشنگریهای این حزب دقت کرد و آنها را بکار بست.

نباید فراموش کرد در این روز، در تجمعات و تظاهراتهای انسانی به ستوه آمده و بیزار از حکومت اسلامی، جایی برای طرفداران پروژه سوخته امثال شیرین عبادی یا زنان دو خرداد و "فمنیسم اسلامی!!" نیست. از این فراتر، باید دانست که جریانات ناسیونالیست با سلطنت و بی سلطنت ربطی به این روز ندارند. تاریخ اینها روشنتر از آن است که به آن پرداخته شود. تا آنجایی که به شهرهای کردستان

زنان هستند. علاوه بر آن، در شعر و ادب، در فرهنگ اجتماعی، هنوز در دوران خانگی و تیولاری هستند. اینها ربطی به تمدن شهری هم ندارند. فعالین ۸ مارس و جنبش رادیکال زنان باید صف خود را از کل این جریانات به روشنی، در شعار و عمل متمایز کنند. مردان و زنان آزادیخواه، کارگران و جوانان، کسانی که در رادیکالیسم جنبش زنان ذینفع هستند، اکثریت جامعه اند. باید خطاب به این اکثریت و به حمایت و همبستگی این اکثریت، بسوی رهایی گام برداشت.

زنده باد هشت مارس

"روانگه" بزودی منتشر خواهد شد!

ماهانامه اینترنتی "روانگه" بزبان کردی به سر دبیری علی عبدالی بزودی انتشار خواهد یافت.

این ماهنامه نشریه ای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است و خود را متعلق به جنبش کمونیسم کارگری میداند. سایت مراجعه به آن و نیز آدرسهای نشریه متعاقباً اعلام خواهد شد.

گزارشی از تعرض مردم شهرهای کردستان به مضحکه انتخابات

مجتبی روشنگر

همه جای شهرها برای شاهدان عینی حکایت از تعرض و تحرک مردم و جوانان علیه مضحکه انتخابات دارد.

در سنجند روز سه شنبه و چهارشنبه عده‌ای از جوانان و دانش‌آموزان وقتی که از مدارس بیرون آمدند تابلوهای تبلیغاتی را کردند و تکه پاره نمودند.

گروه‌های ده بیست نفره از همه خیابانها به طرف مرکز شهر در حالیکه مسخره میکردند و ترقه و نارنجکهای دستی منفجر

پاره و زیر پا گرفته میشد. یکی از حوزه‌های تبلیغاتی زرین گل در میدان نبوت شب دوشنبه به آتش کشیده شد که ساعتها مردم آن را میدیدند. نیروهای پلیس به گشت زنی و ایجاد رعب پرداختند و دست و پای خود را گم کرده اند.

این اوضاع در شهرهای قره، دهگلان، کامیاران و سقز و غیره به همین صورت است. مردم عکسها را پاره میکنند و میگویند در انتخابات شرکت نخواهیم کرد. به علاوه در شهر سقز شب جمعه ساعت ۹ بیشتر از ۱۰۰ جوان در میدان خمینی جلو بانک ملی جمع شده و با شعار مرگ بر جمهوری اسلامی و مرگ بر مرتجعین علیه شرکت در انتخابات به اعتراض پرداختند. نیم ساعت

بعد نیروهای انتظامی دخالت کرده و با تیراندازی هوایی مردم را متفرق نمودند.

در این چند روز همزمان پوستره‌های منصور حکمت و پیامهای حمید تقوایی و کمیته کردستان در سطح شهر پخش شده که با استقبال مردم روبروست. شعارهای حزب کمونیست کارگری بر روی دیوارها در سطح شهر نوشته شده است. لازم به ذکر است که پلیس و نیروهای رژیم برای جلوگیری از انتشار خبر و روحیه دادن به نیروهای خود شب چهارشنبه اقدام به جمع آوری تابلوهای پاره شده و آویزان در سطح خیابانها و میادین نمود. مردم در همه جا به مسخره کردن این عمل رژیم پرداخته اند.

۳۰_۱۱_۸۲

انتخابات رژیم و انقلاب مردم!

(ادامه از صفحه ۴)

کنند. از نظر این سیاست تعرضی، تحریم یک نوع تأیید ضمنی انتخابات است و به آن مشروعیت میدهد. گویا انتخاباتی در کار است و مخالفین آن به هر دلیل از قبیل رد صلاحیت عده ای و یا دخالت فلان و بهمان نهاد و شخصیت، نمیخواهند در آن شرکت کنند. اما در حقیقت کل این پروسه یک مضحکه بوده و در چارچوب هیچ انتخابات آزاد و قوانین یک جامعه مدنی نمیگنجد. در مملکتی که آزادی بیان و اعتصاب و تشکل و احزاب وجود ندارد، در کشوری که قانون اساسی و مدنی‌اش از قرآن و شرع و تفاسیر این و آن آخوند و حوزه علمیه و غیره گرفته شده است، در کشوری که آپارتاید جنسی تمام عیار وجود دارد، در مملکتی که عقاید و اندیشه‌های مغایر اسلام و شرع، پاسخ زندان و شکنجه و اعدام میگیرد، در جایی که کارگران نه تنها نمیتوانند در شورا و سندیکا و حزب کمونیستی شان متشکل و متحد شوند بلکه حتی پرداخت حقوق و دستمزدهایشان چندین ماه به تعویق میافتد، و بالاخره در مملکتی که یک مشت مرتجع عمامه به سر و بی عمامه با اتکا به سرنیزه و کله حزب الله و زندان و شکنجه و اعدام بر جان و مال مردم حاکم شده اند و کثیفترین

رسوا گردیدند. در بخش عمده ای از شهرها و روستاهای کردستان این کاندیداها مورد تعرض قرار گرفته و قبل از اینکه بساط تبلیغاتی شان را در شهرها و روستا بگسترانند از محل بیرون رانده شدند. ستادهای انتخاباتی مورد تعرض مردم قرار گرفت و به آتش کشیده شدند و در شهرهایی چون سنندج و مریوان و بوکان و چند شهر دیگر تظاهرات و راهپیماییهای بزرگ علیه انتخابات و کل رژیم و با شعار آزادی برابری و مرگ بر جمهوری اسلامی براه افتاد.

در نتیجه این مبارزه و اعتراض، در روز انتخابات کاندیداهای رژیم رسوا شده و کتک خورده از صندوقها بیرون آورده شدند، تعداد محافظین و تفنگچهای رژیم در اطراف آنها بیشتر از رأی دهندگان بود.

در مورد نتایج آماری انتخابات هیچ حرف جدی‌ای در میان نیست. هر اندازه توجه به این و آن درصد اعلام شده رأی دهندگان پوچ و بی معنی است. تنها چیزی را که بعنوان جمع‌بندی منصفانه و واقعی میتوان ارائه داد و در تاریخ هم ثبت خواهد شد، این است که از طرفی یک جناح از رژیم در آخرین دست و پا زدنهای عاجزانه و زبوانه به سرنوشت محتوم خود رسید. کسانی که میخواستند چهره کثیف و کریه اسلام را رنگ و لعاب بزنند و برای میلیونها انسان رنج دیده ایران و افکار عمومی جهانی قابل قبول جلوه دهند، سرافکنده

و شکست خورده به حاشیه حاکمیت و نظامی که خود برای حفظ آن تلاش میکردند، پرتاب گشتند. و از طرف دیگر نیروی وسیع و میلیونی مردم صریح تر و تعرضی‌تر از پیش به هر دو جناح و به کلیت رژیم "نه" گفتند و به صورت کریه کل نظام سیلی زده و تف کردند.

اکنون و در ادامه این تحول، جامعه ایران تنها صحنه جدال دو نیرو است. از طرفی رژیم گنبدیده و کثیف و هار اسلامی قرار دارد که برای تداوم عمر ننگینش تلاشی مرکبار خواهد کرد و به هر کاری متوسل میشود. از طرف دیگر بیش از دهها میلیون کارگر و زن و جوان و معلم و کارمند و پرستار و دانش آموز قرار گرفته است که بدون هیچ توهمی به اصلاح پذیر بودن رژیم تنها راه رسیدن به آزادی و خوشبختی را سرنوشتی رژیم میدانند و برای آن مبارزه میکنند. اکنون دیگر افق یک انقلاب پیشرو مردم قرار گرفته است و به آن چشم دوخته اند. راه میانه ای وجود ندارد.

بقیایای دوم خرداد که از رژیم رانده شده اند، جایی در میان مردم ندارند. بعضیهایشان گفته اند که گویا به میان مردم عقب مینشینند. اما نه محمد رضا خاتمی نایب مجلس اسلامی و نه کسانی چون ادب و جلالی زاده و دیگران میتوانند آبرویی برای خود بخرند. داد و فریاد این مزدوران برای کرسیهای از دست رفته شان است، نه حقوق و آزادیهای مردم. اینها نمایندگان

شرم بر جمهوری اسلامی

گزارشی از تجمع اعتراضی مردم نیشابور امروز سوم اسفندماه تعدادی از مردم نیشابور دست به تجمع اعتراضی زدند و خط راه آهن را مسدود کردند. تجمع کنندگان به نامناسب بودن نحوه امداد رسانی و پاسخگو نبودن مسئولان اعتراض میکردند. یکی از کسانی که عزیزان خود را از دست داده است میگوید: باید بدانیم چه موادی داخل این واگن ها بوده که چنین فاجعه ای رخ داده است. یکی دیگر از افراد حاضر در تجمع میگوید: بیمارستانها برای بستری کردن بازماندگان و مجروحانی که تا به حال مشغول

◀◀

رژیم صدهزار اعدام و امضا کنندگان احکام سنگسار و اسیدپاشیدن به روی زنان و دختران هستند. اینها شریک جرم رژیم اسلامیند، اینها به تاوان چند دهه همکاری آشکار با رژیم و در مجلس اسلامیش، روزی در دادگاههای مردمی و علنی محاکمه خواهند شد. دیگر لباس کردی و قومی به تن کردن هم کمکی به مزدورانی چون ادب و جلایزاده و سهرابی و دیگران نمیکند. مانور دادن اینها در کمپ ناسیونالیسم کرد در منطقه فقط پرورده خود ناسیونالیسم را سنگین تر کرده و آبرویش را بیشتر میبرد تا اینکه خیری به این کمپ برساند.

انقلابی که در راه است آرایش نیروهای اجتماعی را محک میزند و تعیین میکند که نیروها و جریانات سیاسی حاضر در صحنه جامعه ایران چقدر به آن نزدیک و معتقدند و یا چقدر به آن ناپاور و دورند.

حزب کمونیست کارگری ایران مردم را به یک انقلاب که اولین گامش سرنوشتی رژیم اسلامی است، فرامیخواند. انقلابی که پرچم آن آزادی و برابری، حقوق جهانشمول انسان، مذهب زدایی از جامعه و کوتاه کردن دست مذهب از زندگی مردم، برابری زن و مرد، و بالاخره رهایی انسان از بردگی مزدی و لغو کار مزدی و برقراری یک جمهوری سوسیالیستی و حکومت شوراهای کارگران و مردم است.

۲ اسفند ۸۲ (۲۳ فوریه ۲۰۰۴)

اخباری از مبارزات و مسائل کارگری

کارگران سد استور میانه: ۹۰۰ نفر از کارگران که بدلیل تغییراتی در برنامه ساختن سد استور در معرض اخراج قرار دارند دست به اعتراض زدند. کارگران با ارسال یک نامه سرگشاده به مسئولین حکومتی نگرانی خود از عواقب بیکار سازیها اعلام داشتند و اشتغال را حق مسلم کارگران دانستند. تا کنون تعدادی از کارگران این مرکز بدلیل شرایط ناامن کار در حین ساختن سد جان خود را از دست داده و یا مصدوم شده اند.

شرکت ایران کف در گیلان:

روز ۲۹ بهمن بیش از ۱۰۰ نفر از کارگران این شرکت در اعتراض به نپرداختن دستمزدها دست به اعتصاب زدند. کارگران برای بازتاب اعتراض خود جاده اصلی رشت را مسدود کردند. ۱۱ ماه است که حقوق کارگران پرداخت نشده است. طی سالهای اخیر ۶۰۰ کارگر این شرکت از کار بیکار شده اند و حدود ۱۰۰ نفر که همچنان شغل های خود را دارند با اجحاف بزرگ سرمایه داران در نپرداختن دستمزدها مواجه هستند.

همانطور که ما بارها اعلام کرده ایم نپرداختن دستمزد کارگران باید بعنوان یک جرم که زندگی و هستی کارگران را

به خطر می اندازد مورد پیگرد قانونی قرار گیرد. این چپاولگری باید بعنوان همان چیزی که هست یعنی جنایت در حق کارگران در سطح جامعه شناخته شود و کل جامعه را به اعتراض علیه نپرداختن دستمزدها به حرکت درآورد. حزب کمونیست کارگری همه مردم را فرا می خواند که همراه و همصدا با کارگران به هر طریق ممکن از این خواست عادلانه کارگران حمایت کنند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۵ اسفندماه ۱۳۸۲
۲۴ فوریه ۲۰۰۴

شهر ایزده همچنان حالت غیر عادی دارد

ایزده: اطلاعیه شماره ۴
**دو نفر از مجروحین
روز شنبه دوم اسفند
جان باختند**
**شهر همچنان در
حکومت نظامی است**

طبق خبری که امروز دوشنبه ۴ اسفند بدست ما رسیده است دو نفر از مجروحین تظاهرات دوم اسفند، دیروز در بیمارستان جندی شاپور اهواز جان باختند. این دو نفر هر دو از خانواده های گورزی (Gurezi) میباشند. ۴ نفر از مجروحین همچنان در بیمارستان جندی شاپور و تعداد بیشتری در بیمارستان های ایزده بستری هستند. شهر ایزده همچنان حالت غیر عادی دارد و شبها رسماً از ساعت ۹ منع عبور و مرور اعلام شده است. نیروهای زیادی از شهرهای دیگر وارد ایزده کرده که عمدتاً در منطقه بانکها و ساختمان های دولتی مستقر شده اند. سرکوبگران تعدادی را در مناطق سرتل، استادیوم و حومه دانشسرا دستگیر کرده اند. ۲ نفر از جانبختگان در قبرستان روضه الزهرا توسط نیروهای سرکوب و بدون حضور خانواده ها و بستگان آنها دفن شده اند.

در جریان تظاهرات در خانه ها بروی تظاهرات کنندگان باز بود و مردم به مداوای مجروحین میپرداختند.

حزب کمونیست کارگری به بستگان و دوستان گورزی و کریمی و سایر جانبختگان در ایزده صمیمانه تسلیت میگوید و مردم ایزده و سایر مردم در سراسر کشور را به برگزاری مراسم های بزرگداشت جانبختگان شهر ایزده و همچنین جانبختگان شهر فیروزآباد فرامیخواند. حزب مردم سراسر کشور را به گسترش اعتراض و اعلام همبستگی و حمایت از مبارزات یکدیگر فرامیخواند. جلو وحشیگری بیشتر حکومت اسلامی را تنها با گسترش اعتصاب و اعتراض میتوان

◀ شرم بر جمهوری اسلامی

یافتن اجساد فرزندانشان بوده اند هزینه بستری طلب میکنند. وی میگوید در مراجعه به یکی از بیمارستانها برای مداوای همسر از من پنج هزار تومان پول طلب کردند و گفتند بدلیل اینکه از روزهای حساس حادثه فاصله گرفته ایم باید هزینه مداوا پرداخت شود. او میگوید به دلیل انفجار و تخریب کامل منزلش هیچ سرمایه ای در اختیار ندارد. یکی دیگر از تجمع کنندگان میگوید: وضعیت اسکان بازماندگان بسیار ناراحت کننده است بطوریکه برای هر سه نفر یک پتو و مقدار کمی مواد خوراکی داده اند.

مرگ بر جمهوری اسلامی

مرگ بر جمهوری اسلامی
آزادی، برابری، حکومت
کارگری

زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۳ اسفندماه ۱۳۸۲
۲۲ فوریه ۲۰۰۴

شرم بر جمهوری اسلامی

مرگ بر جمهوری اسلامی

حزب کمونیست کارگری ایران
۳ اسفند ۱۳۸۲، ۲۲ فوریه ۲۰۰۴

سخنرانی و گفت و شنود

فدرالیسم
طرحی برای جنگ قومی
در ایران

با اعضای رهبری حزب
کمونیست کارگری ایران:
رحمان حسین زاده، فاتح شیخ
حسین مرادیگی (حمه سور)
ایرج فرزاد

زمان: جمعه ۲۷ فوریه

۲۰۰۴ از ساعت ۵

بعدازظهر

مکان:

FOKETSHUS
HAMMARKULEN

از همه شما علاقمندان دعوت می کنیم که در این نشست شرکت کنید.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست

کارگری ایران - کمیته گوتنبرگ

۱۲ فوریه ۲۰۰۴

تلفن تماس: ۰۷۳ ۶۲ ۹۰۱۶۴

به حزب کمونیست
کارگری پیوندید!